

متن پرسش

با سلام استا عزیز: استاد خواهش می‌کنم کمکم فرمایید: ۱. آیا ادراکات و شهودات عرفانی به چه وسیله ای صورت می‌گیرد؟ روح انسان یا قلب او؟ ۲. استاد مدتی است سوالی ذهنم را مشغول کرده و به سبب آن دیگر مغزم نزدیک است که سوت بکشد. خواهش می‌کنم کمکم کنید. این شبهه برایم پیش آمده که می‌گویم درست است عرفا می‌گویند که نهایت صعود انسان تا مقام تعیین اول است، و به مقام ذات علم پیدا نمی‌کنند. اما من پیش خودم می‌گویم از اونجایی که خود عرفا می‌گویند تو هر قرنی یکی دو نفر هست که اسفار اربعه رو به طور کامل طی کند، رو این حساب میگم شاید امثال ابن عربی و قونوی که اینطور گفتند شاید برای این است که این‌ها تا سفر دوم یا سوم رفته اند و اسفار اربعه را طی نکرده اند چرا که شاید مسیر تکامل انسان اینگونه باشد که پس از اسفار اربعه، یک سیر صعودی داشته باشد و تا مقام ذات برسد و به آن مقام علم تفصیلی پیدا کند؟ یا اصلا این اسفار اربعه از کجا اومده؟ شاید اصلا به این صورت نباشد که عرفا در سفر اول به سوی حق می‌روند و در سفر دوم در صفات خدا سیر می‌کنند و... و شاید صعود انسان در مراحل بالای سلوک به مقام ذات برسد اما این ابن عربی و قونوی نرسیده اند؟ اصلا این دایره وجودی و قوس صعود و نزول رو کی گفته؟ از کجا معلوم که همچین قوس صعود و نزولی در هستی باشد؟ آخه تو روایات هم ندیدم که تصریح بشه که انسان به ذات خدا از طریق شهود، علم پیدا نمی‌کند. البته روایتی دیدم که حضرت علی میگه: عظم عن ان تثبت ربوبیته باحاطه القلب او بصر. بزرگتر از آن است که پروردگارش ثابت شود به احاطه قلب یا چشم (اما من میگم شاید منظورشون بوده با قلب نمیشه ذات خدا رو شناخت اما با روح میشه. نظر شما چیه؟ یا اینکه این شبهه برام پیدا شده که شاید قلب نمیتونه که به ذات خدا احاطه بکنه اما شاید بتونه بدون احاطه پیدا کردن، به ذات خدا علم پیدا کنه. خواهش می‌کنم استاد کمکم کنید که واقعا خسته شدم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در مقام «قلب» انسان به شهود حقایق می‌رسد و در مقام «روح» به مقام فناء دست می‌یابد و در مقام «سِرّ» به مقام فناء فناء می‌رسد ۲. انسان با فنا بالذات در مقام فنا فناء قرار می‌گیرد ۳. «قلب» در آن روایت به معنای کلی کلمه است که شامل روح و سِرّ هم می‌شود و حضرت می‌فرمایند احاطه به مقام ربوبیت برای هیچ کس در هیچ مقامی ممکن نیست. موفق باشید